نظر اجمالی به اوضاع ایران

تخلیه نمودند ولی باز در 19 ربیع الاوّل قشون روس وارد تبریز شد. کم‏کم در اواسط 1333 دامنهء جنگ عمومی بایران نیز کشیده شد و منتهی‏ شد بوقایع و حوادثی که شرح آن متدّرجا در شمارهای«کاوه»داده شده‏ و در اینجا در تکرار آن لزومی دیده نمیشود.

امروز پس از سرنگون شدن تخت‏وتاج تزاری که موجب آن همه‏ مصیبتها بود روابط ایران با روس رنگ دیگری گرفته و اولیای کنونی‏ امور روسیّه استقلال تام و تمام ایران را شناخته و از کردار حکومتهای‏ سابق روسیّه نسبت بایران اظهار شرمندگی مینمایند و وعده‏های ملاطفت‏ آمیز و مهربانی در مرّمت گذشتها میدهند.ولی مملکت روسیّه هنوز بازیچهء جزرومدّهای انقلاب است و نمیتوان گفت عنان امور عاقبت در کدام‏ سرپنجهء مقتدری خواهد افتاد همینقدر است که آن دورهای تاریک‏ و مدهش سپری گشته و از این ببعد ایران با یک روسیّه دیگری سروکار خواهد داشت.

نظر اجمالی باوضاع ایران

همان رویّهء درشت و ظالمانه را که در عهد استبداد تساری روسها در ایران داشتند حالا بدون فرق انگلیسها شعار خود ساخته زجرکشی‏ و جبر و تحکّم را از همانجا که آنها ترک نمودند اینها در دست گرفته‏اند. یعنی بعد از آنکه مبنای تشدّد و زیاده‏روی روسی در ایران بهم شکست‏ و عهدنامهء سال 1325 بواسطهء حکومت بولشویکی عاطل و باطل گشت. و بعد از آنکه دولت انگلیس در عهدهء تعویق بودن همان عهدنامه را بدولت‏ ایران اعلام نمود،بفاصلهء خیلی کم چهرهء حقیقی انگلیسی از پس پردهء پندار ظاهر و تعدّی و زیادتی نسبت بایران شروع گردیده با کمال وضوح‏ معلوم شد که مقصود دولت انگلیس از نسخ عهدنامهء 1325-که منطقه‏های‏ نفوذ برای دولت روس و انگلیس معیّن میکرد-فقط این بوده است که‏ بهیچوجه پای‏بندی در میان نداشته(اگرچه تا حال هم هیچوقت نداشته‏اند) و دست تعرّض را بدون هیچ مانع و عایقی بهر طرف ایران بخواهند آزادانه دراز نمایند.خیلی هم خنده دارد که انگلیسها اقدامات جابرانهء آخری را با یک نطق لورد کرزن در مجلس لوردها که نویدها و امیدها بدولت ایران میداد شروع کردند و بدین وسیله یک مرتبهء دیگر مدلّل شد که آنهمه نمایشهای قولی فقط برای چشم‏بندی ایرانیان و مخصوصا یک‏ دسیسهء بیشرمانهء در مقابل افکار عمومی دنیا بوده است و بس.چنانکه‏ این مسئله از وقایع اخیرهء ایران که ما در این نزدیکیها بدست آورده و مجملی از آنرا ذیلا مینگاریم با کمال خوبی روشن و آشکار میگردد:

انگلیسها در حوالی اورمیه یک قوّهء نظامی مرکّب از افراد ارمنی و جلو1که غالبا از خاک عثمانی هجرت کرده‏اند تهیّه مینمایند.این قوّه در (1)کلدانیهای عثمانی که در موقع جنگ بایران مهاجرت نموده‏اند و اغلب سبب‏ ناامنی و مایهء فتنه و فساد و آلت دست اجانبند.

زیر بیرق انگلیسی و بفرماندهی صاحب منصبان فرانسوی و با اسلحهء روسی‏ کار کرده و با پول انگلیسی اداره میشود.و مقصود انگلیسها از تشکیل‏ این قوّه فقط در دست داشتن نقاطی است که از قشون روسی تخلیه‏ میشود،چنانکه سرتیپ باراتف فرمانده قشون روس در ایران که با رشوهء انگلیسها از دولت خود روگردان شده است اخیرا اظهار داشته که‏ او فقط جاهائی را از ایران تخلیه میکند که قشون انگلیس قدم بگذارد. قوّهء سابق الذّکر اخیرا با ایرانیها طرف شده و در حوالی سلماس و خوی‏ و اورمیه جمع کثیری را بقتل رسانده است.و نیز انگلیسها بکرمانشاه و همدان و از آنطرف بخراسان و سیستان و تربت حیدری قشون فرستاده‏ و تمام اعتراضات دولت را در این باب پشت گوش انداخته و ابدا طرف‏ اعتنا قرار نمیدهند.و علاوه بر این بدولت ایران اطّلاع داده‏اند که بسایر نقاط هم قشون فرستاده و بتصرّف خواهند درآورد.در کرمانشاه‏ قونسول انگلیس اتّصالا میان ایلات اطراف رفته با رؤسای عشایر در مراوده است و میخواهد بهر دسیسهء هست انها را با خیالات خود- خصوصا در مسئلهء تشکیل یک قوّهء نظامی دیگری بنام پلیس غرب-همراه نماید و کارکنان انگلیسی نیز راجع باین مسئله سخت در کار تحریص و ترغیب هستند.

در رشت نیز ایرانیها قونسول انگلیس را با مدیر بانک انگلیسی‏ بعوض شاهزاده سلیمان میرزا که چندی پیش از طرف انگلیسها در کرمانشاه گرفتار و ببغداد فرستاده شده است گرفتار نموده‏اند(بنا بخبرهای اخیر مستخلص شده‏اند).

براوین نایب قونسول سابق دولت روس در خوی از طرف دولت‏ بولشویکی بسفارت طهران معیّن کردیده است.مشارالیه بعد از ورود طهران بدولت ایران اعلام نموده که بنام دولت متبوعهء خود در ازای‏ معاهدات سابق میان دولتین ایران و روس که فعلا نسخ شده حاضر است‏ یک«معاهدهء با شرمانهء(؟)با دولت ایران عقد نماید».

در ولایاتی که از طرف نظامیان دولت روس مورد صدمه و خسارت‏ واقع گردیده انجمنهای تعیین خسارت تشکیل و نظامنامهء در این باب‏ از طرف دولت نوشته و بانها فرستاده شده است و باوجوداین نظامیانی‏ که در زیر فرماندهی سرتیب باراتف میباشند در بعضی نقاط از نهب‏ و قتل اهالی دست برنداشته‏اند.

در اصفهان و کرمانشاهان که از قشون روسی تخلیه شده است‏ تفاوت کلّی در نرخ اجناس حاصل و قحطوغلا رو بسکونت میباشد.

در فارس ناخوشی و با تخفیف یافته و آقا میرزا ابراهیم محلاّتی مجتهد معروف فارس در شیراز وفات کرده است.

در آذربایجان حاجی محتشم السّلطنه حکمران مشغول ترتیب و تنظیم‏ امور ایالتی است.

در تبریز عزیز اللّه خان چاردولی معروف بصمصام مراغهء را که‏ مرتکب دزدی و قتل و غارت بوده است بعد از محاکمه بدار زده‏اند.

میرزا عبد اللّه خان مأمور تشکیلات نظمیّهء آذربایجان مدرسهء پلیس‏ در تبریز دایر نموده و عجالة هفتاد نفر از جوانان مهذب در آنجا مشغول تحصیل هستند.و برای جلوگیری از احتکار نانواها در هریک محلّهء تبریز انجمن تفتیش نانواخانها از طرف خود اهالی ترتیب داده شده که‏ بتوسّط آنها فقرای هریک محلّه را نام‏نویسی کرده بترتیب پته بهر کدام‏ نان بمساوات میدهند و از این قرار بهبودی کلّی در امر نان حاصل و ازدحام جلو دکاکین نانوائی کم شده است.

از قرار خبر اخیر هیئت وزرا در اواسط رجب عوض شده و مجدّدا در تحت ریاست نجفقلی خان صمصام السّلطنهء بختیاری از این قرار تشکیل یافته:

صمصام السّلطنه(نجفقلی خان)بختیاری رئیس الوزرا و وزیر داخله،

امیر مفخّم(لطفعلی خان)بختیاری..وزیر جنگ،

مشاور الممالک(علیقلی خان)...وزیر امور خارجه،

نیّر الملک(رضا قلی خان).....وزیر عدلیّه،

حکیم الملک(میرزا ابراهیم خان)..وزیر علوم،

مشار الملک(میرزا حسن خان)..وزیر مالیّه،

مشار السّلطنه(اسد اللّه خان)...وزیر پست و تلگراف،

معین الوزاره(میرزا حسین خان).وزیر فواید عامّه و تجارت و اوقاف و فلاحت،

مستشار الدّوله(میرزا صادق خان)وزیر بی‏شغل.

وقایع جنگ فرنگستان

در این اواخر غرّش توپ میدانهای جنگ در فرانسه و بلژیک روی‏ سایر صداها را گرفته و گوش عالمیان بزنگ است که اخبار روزانهء جنگ‏ برسد و معلوم شود قشون آلمان باز در کدام نقطهء میدان پیشرفت‏ نموده است.

در شمارهء اخیر«کاوه»گفتیم که تا 20 جمادی الآخره که سیزدهمین‏ روز یورش آلمانها در میدان غرب بود علاوه بر ذخیره و قورخانه‏ و آزوقهء بی‏اندازه 000‘75 اسیر و 100‘1 توپ بدست قشون آلمان‏ افتاده بود.ولی باید دانست که تلفات دشمن چندین برابر عدّهء اسرا بوده است چنانکه بنا باخبار رسمی هلاند تا 16 جمادی الآخره یعنی پس‏ از یک هفته یورش تلفات انگلیسها از بابت مقتول و مجروح تنها 000‘412 نفر بوده که با اسرا بیش از یک کرور میشود.

پس از آنکه قشون آلمان در سینهء فرانسه بیش از ده فرسخ پیشرفت‏ نمود چند روزی در میدان جنگ بالنّسبه آرامی و سکونی پدیدار گردید ولی همه کس میدانست که این آرامی ظاهری است و مشت آهنین هیندنبورگ‏ بلند است تا بکجا پائین آید.ناگهان در 28 جمادی الآخره صدای توپ‏ پورش آلمان از قسمت شمالی میدان جنگ در حوالی سرحدّ فرانسه‏ و بلژیک شنیده شد.دو روز بعد شهر آرمانتیر که از حیث نقطهء مستحکمهء جنگی دارای اهمیّت بسیار بود بدست آلمانها افتاد و در عرض‏ این دو روز باز 000‘20 اسیر و 200 عرّاده توپ نصیب قشون آلمان‏ گردید.از آن پس قشون آلمان با وجود پافشاریهای سخت قشون‏ انگلیس و فرانسه در راه حفظ آن حوالی که علاوه بر اهمیّت جنگی‏ پرپشت‏ترین سرزمین زغال‏سنک فرانسه هم هست هر روز باز قدمی‏ فراتر نهاده بشهر ایپر1در بلژیک که در تاریخ میدان جنگ غرب‏ دارای اهمیت بسیار است نزدیکتر گردید چنانکه کوه کمّل‏2که نقطهء بسیار محکمی بود در 15 رجب با 500‘6 اسیر گرفته شد و در 3 روز بعد (18 رجب)خبر رسمی آلمان میگفت که قشون آلمان به 1300 ذرعی‏ ایپر رسیده است.

در همان بین که قشون آلمان در روی خشکی عرصه را بر دشمن تنگ‏ گرفته زیر دریائیهای آلمانی هم دست از کار خود نکشیده و هر روزه‏ چند کشتی رهسپار دیار عدم مینمایند چنانکه در ماه اخیر فرنگی(مارس) که از 18 جمادی الأولی تا 19 جمادی الآخره میباشد 000‘689 تن‏ (000‘067‘2 خروار)غرق نموده‏اند.

بنا بخبر رسمی آلمانی 9 رجب نتیجهء یک ماههء یورش در میدان غرب‏ 000‘117 اسیر و 1550 توپ و 200 اتوموبیل زرهپوش است. و باز بنا بهمین خبر عدّهء کلیّهء اسرائی که در آن روز در دست متّحدین‏ بوده 000‘450‘3 نفر بوده است.